

Designing a Conceptual Model of Participatory Governance in Iran: A Grounded Theory Approach

Seyed Mohsen Mirbagheri

Ph.D. Candidate in Management of Technology (MOT)-Department of Management, Economics and Progress Engineering-Iran University of Science & Technology (IUST), Tehran, Iran.

Sm_mirbaghyeri@pgre.iust.ac.ir

Ata Ollah Rafiei Atani

Associate Prof. and Faculty member Of Iran University of Science & Technology (IUST), Department of Management, Economics and Progress Engineering, Tehran, Iran (Corresponding author).

rafieiatani@iust.ac.ir

Mohammadreza Parsanejad

Associate Prof. and Faculty member Of Iran University of Science & Technology (IUST), Department of Management, Economics and Progress Engineering, Tehran, Iran.

Parsanejad@iust.ac.ir

Abstract

Participatory governance is one of the successful approaches in the world in the field of governance. Surveys show that providing a participatory governance model following the religious foundations along with the cultural and social issues of the country will help a lot in solving governance challenges. The research purpose is to present a conceptual model of participatory governance in Iran based on the foundation's data analysis. The tool used to collect information in this study was a semi-structured interview that used the opinions of 27 experts in this field. The sampling method was purposeful. After collecting the data, based on the grounded theory method, the concepts are coded openly, centrally, and selectively. With the coding performed, 25 concepts were obtained which were classified into 5 categories: causal conditions, contextual conditions, intervening conditions, strategies, and consequences and are presented as a model for the central phenomenon of Participatory governance. The findings show factors such as not feeling the need for participatory governance and understanding its benefits, the distance between the elites and the people with the governing institutions and increasing tensions, weakness of collaborative work culture, weakness in reaching understanding and gathering opinions, inadequate understanding of people's behaviors and mental models and the different nature of governance in Islam and the West are the causal conditions of participatory governance. Also, factors such as increasing progress in the country, increasing cohesion in society, increasing justice in society, and increasing productivity in the country are the most important achievements of participatory governance in the country.

Keywords: Governance, Collaborative governance, Grounded theory model, Public policy.

طراحی الگوی مفهومی حکمرانی مشارکتی در ایران: رویکرد داده‌بنیاد

سیدمحسن میرباقری

دانشجوی دکتری دانشگاه علم و صنعت، دانشکده مدیریت، اقتصاد و مهندسی پیشرفت، تهران، ایران.
sm_mirbaghyeri@pgr.e.iust.ac.ir

عطاءالله رفیعی آتانی

عضو هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت، دانشکده مدیریت، اقتصاد و مهندسی پیشرفت، تهران، ایران.
Rafieiatani@iust.ac.ir (نویسنده مسئول).

محمدرضا پارسانژاد

عضو هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت، دانشکده مدیریت، اقتصاد و مهندسی پیشرفت، تهران، ایران.
Parsanejad@iust.ac.ir

چکیده

حکمرانی مشارکتی یکی از رویکردهای موفق در جهان در زمینه حکمرانی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، ارائه یک الگوی حکمرانی مشارکتی متناسب با مبانی اعتقادی و مسائل فرهنگی و اجتماعی کشور، کمک بسیاری به حل مسائل حکمرانی خواهد کرد. با توجه به اینکه تاکنون الگوی بومی در زمینه حکمرانی مشارکتی طراحی نشده است، هدف این پژوهش ارائه الگوی مفهومی حکمرانی مشارکتی در ایران بر اساس تحلیل داده بنیاد است. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، مصاحبه نیمه ساختاریافته بوده است که از نظرات ۲۷ نفر از خبرگان این حوزه استفاده شده است. روش نمونه‌گیری، هدفمند بوده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، بر اساس روش داده بنیاد مفاهیم به صورت باز، محوری و انتخابی کدگذاری شده است. با کدگذاری‌های انجام‌شده، ۲۵ مفهوم به دست آمده است که در قالب ۵ مقوله شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها، دسته‌بندی شده‌اند و به صورت مدلی برای پدیده محوری حکمرانی مشارکتی ارائه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد عواملی از قبیل عدم احساس نیاز به حکمرانی مشارکتی و درک مزایای آن، فاصله بین نخبگان و مردم با نهادهای حکمرانی و افزایش تنش‌ها، ضعف فرهنگ کار مشارکتی، ضعف در رسیدن به تفاهم و تجمیع نظرات، درک نامناسب رفتارها و مدل‌های ذهنی افراد و ماهیت متفاوت حکمرانی در اسلام و غرب از جمله شرایط علی حکمرانی مشارکتی است. همچنین، عواملی از قبیل افزایش رشد (پیشرفت) در کشور، افزایش انسجام در جامعه، افزایش عدالت در جامعه و افزایش بهره‌وری در کشور مهم‌ترین دستاوردهای حکمرانی مشارکتی در کشور می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی، حکمرانی مشارکتی، مدل داده‌بنیاد، سیاست‌گذاری عمومی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۵/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲

فصلنامه راهبرد، سال ۳۱، شماره ۲، پیاپی ۱۰۳، شهریور ۱۴۰۱، صص ۱۹۵-۲۱۸

مقدمه و بیان مسئله

حکمرانی به معنای سیاست‌گذاری و اجرا در بخش عمومی طبق مصلحت دولت است (Milchman & Rosenberg, 2010). برخی دیگر نیز حکمرانی را اعمال اقتدار از طریق سنت‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی به‌منظور تأمین منافع عامه تعریف می‌کنند. حکمرانی به سازمان‌ها و افرادی می‌پردازد که در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات نقش دارند (Rezaizadeh, 2022). حکمرانی مشارکتی یک نوع یا زیرمجموعه‌ای از نظریه حکمرانی است که بر مشارکت مردمی، از روش‌های مختلف به‌ویژه از طریق تصمیم‌گیری مشارکتی تأکید می‌کند و به دنبال تعمیق مشارکت شهروندان در فرآیندهای حکمرانی است (Fischer, 2012).

حکمرانی مشارکتی به دلیل فواید زیادی که دارد همواره موردنظر دولتمردان و اندیشمندان بوده است. مقام معظم رهبری (مدظله) نیز در خصوص لزوم استفاده از رویکرد مردمی و مشارکتی در حکمرانی می‌فرمایند:

«گاهی اوقات صاحب‌نظران و متخصصین که جزو مردم‌اند، نظراتی، شیوه‌هایی را برای کار در بخش‌های مختلف به دولتمردان ارائه می‌دهند. مسئولین یک سازوکاری را پیش بگیرند که بتوانند از این نظرات استفاده کنند که در حقیقت مردم را در تصمیم‌سازی‌های دستگاه‌های مسئول کشور شریک کنند؛ و برای اینکه از ظرفیت‌های مردمی در عمل هم چگونه بایستی استفاده کرد، سازوکار درست کنند که مردم را در اقدام هم شریک کنند» (بیانات مقام معظم رهبری با مردم قم، ۱۴۰۰/۱۰/۱۹).

گفتنی است، مدل‌های مختلفی در حکمرانی وجود دارد ولیکن مقام معظم رهبری (مدظله) به‌درستی بر روی حکمرانی مشارکتی در سه بخش تصمیم‌سازی، اجرا و نظارت تأکید کرده‌اند؛ زیرا خصلت اجتماعی ساختار جامعه امروزی به‌گونه‌ای است که بدون مشارکت و همراهی مردم در فرآیند تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت امور، نمی‌توان به اجرای موفق طرحی امیدوار بود (Prigozhin, 1991). برای اجرای حکمرانی مشارکتی، مسائل متعددی وجود دارد که باید موردتوجه قرار گیرند. مهم‌ترین این مسائل عبارتند از:

۱- انسان موجودی اجتماعی است و تأمین بسیاری از نیازها و شکوفایی

استعدادهای خود را در بستر تعامل و مشارکت جستجو می‌کند (سند الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت). همراه با محرز گردیدن ضرورت زندگی اجتماعی، لزوم مشارکت برای رفع نیازهای متقابل افراد در تمام شئون زندگی بشری به اثبات رسیده است. در مبانی اسلامی نیز بر انجام مشارکتی کارها و تصمیمات تأکید شده است. این مشارکت افراد در امور اجتماعی باعث رشد سریع‌تر آحاد جامعه می‌شود (Karami, 2017).

۲- امروزه امور و مسائل کشور ما و جهان پیچیده‌تر از آن هستند که یک مدیر و یا مسئول بتواند به‌سادگی آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و خود به‌تنهایی راجع به آن‌ها تصمیماتی عمیق و کاملاً قابل قبول اتخاذ نماید. با توجه به پیچیدگی مسائل اجتماعی و دخالت عناصر متنوع داخلی و اثرگذاری عوامل متعدد در تصمیم‌گیری حکمرانان ایجاد می‌کند که مدیران از مشورت مشاوران آگاه، متعهد، دلسوز و شجاع بهره‌گیرند (Karami, 2017).

۳- شناخت ناکافی از فرآیند حکمرانی و عوامل مؤثر بر آن باعث اشتباه در تصمیمات و رفتار مدیران می‌شود. از این رو، مطالعات عمیق پژوهشی و آگاهی بخشی در این خصوص، می‌تواند از بسیاری از اشتباهات بعدی جلوگیری کند. مثلاً عوامل غیر عقلایی مانند احساسات، فرهنگ، شخصیت، دین و ایدئولوژی از جمله عواملی هستند که نقش بسزایی در چگونگی حکمرانی دارند. پرداختن به این عوامل و طراحی مدل بومی در خصوص حکمرانی مشارکتی و ارائه ابزارها و روش‌های پیاده‌سازی آن، از اهمیت چشمگیری برخوردار است.

۴- منابع و امکانات در دستگاه‌های حکمرانی محدود است و با تهدیدات مختلفی همراه است (مانند اتلاف، تخریب و اسراف در منابع). مثلاً وقتی مردم خود را در امکانات و منابع دولتی ذی‌نفع نمی‌دانند برایشان خیلی فرقی ندارد که آن اموال در یک حادثه‌ای از بین برود و یا بماند! ولی وقتی مردم خود را در اموال دولتی صاحب و سهیم بدانند، بدیهی است محافظت بیشتری از این اموال و دارائی‌ها خواهند کرد.

۵- حکمرانی مشارکتی می‌تواند روش مناسبی برای استفاده از منابع و کمک‌های بیشتری باشد که مردم با حضورشان در صحنه به همراه می‌آورند. این موضوع وقتی افزایش می‌یابد که انگیزه الهی مردم تقویت شود و مردم نیز به هزینه شدن منابع در جهت منافع عمومی، اعتماد کنند (مانند کمک‌های مردمی در ۸ سال دفاع مقدس). از طرفی، بهره‌جویی از فکر جامعه نخبگانی در

تصمیم‌گیری‌ها، ابزاری مناسب جهت بالا بردن بهره‌وری و پیشبرد کشورها به اهدافشان می‌باشد. همچنین استفاده از مردم جهت نظارت در امور مختلف نیز می‌تواند باعث کاهش فساد و افزایش بهره‌وری در خدمات عمومی و دولتی شود.

۶- مطالعات در خصوص فرایند تصمیم‌گیری مشارکتی در حوزه حکمرانی نشان می‌دهد، علاوه بر تمایلات، خواسته‌ها و اهداف خصوصی فرد، عقاید و باورهای افراد نیز به‌عنوان عاملی مهم در تصمیم‌گیری‌های افراد تأثیرگذار است. باورهای افراد مجموعه ارزش‌هایی است که تفکر و رفتار انسان‌ها را شکل می‌دهد؛ بنابراین، طبیعی است عقاید یک مدیر در رفتار و تصمیمات او اثرگذار باشد و او را به یک سبک خاص از حکمرانی سوق دهد (Ali Akbari & Ramezani, 2013). امکان، چيستی و چگونگی تأثیر مبانی فکری و نظام ارزشی بر تصمیم‌گیری به‌عنوان جوهره فعالیت‌های حکمرانی، موضوعی بحث‌برانگیز و حائز اهمیت است. همچنین، بررسی تأثیر اندیشه و رویکرد اسلامی بر فرآیند تصمیم‌گیری، در منظومه مطالعات مدیریت و حکمرانی جایگاهی اساسی دارد (Razini & Azizi, 2016).

بنا بر آنچه توضیح داده‌شده می‌توان نتیجه گرفت که انسان موجودی است که ذاتاً اجتماعی است و برای برآورده کردن نیازهای خود باید در اجتماع زندگی کند. نیازهای متقابل در افراد، زمینه را برای انجام مشارکتی کارها در جامعه فراهم کرده است. از آنجاکه به‌مرور زمان جوامع پیشرفته شدند و دولت‌ها با مسائل متعدد و پیچیده‌ای مواجه شدند، حکمرانان نیز مجبور شدند برای رفع معضلات و مسائل خود با ذینفعانشان مشارکت کنند؛ زیرا حکمرانی مشارکتی، حکومت‌گری در مردم را کاهش داده و سرمایه اجتماعی دولت‌ها را تقویت می‌کند و باعث استفاده بهینه‌تر از امکانات و منابع دولتی می‌شود. به دلیل اینکه تصمیمات حکمرانان و مردم برگرفته از ارزش‌ها و باورهای آنان است، فهم مدل‌های ذهنی و رفتاری با درنظر گرفتن مبانی اعتقادی و فرهنگی آنان نیز اهمیت بسیاری دارد.

باوجود مزیت‌های بسیاری که حکمرانی مشارکتی دارد، هنوز مدل جامعی که دربرگیرنده ابعاد حکمرانی مشارکتی باشد و عوامل و نتایج حکمرانی مشارکتی را نشان دهد، طراحی نشده است. همچنین، از آنجاکه پیشینه‌ی پژوهشی اندکی در خصوص حکمرانی مشارکتی وجود دارد، چارچوب نظری محدودی وجود دارد که از آن می‌توان عوامل تأثیرگذار و پیامدهای آن را اتخاذ کرد. در این پژوهش با استفاده از مصاحبه‌های انجام‌شده با متخصصان، سه مرحله کدگذاری‌های باز، محوری و

انتخابی به‌عنوان اساس کار تحلیل داده بنیاد انجام شده است. سپس مصاحبه‌ها تحلیل شده و با کمک پیشینه پژوهش، به طراحی مدل در زمینه حکمرانی مشارکتی اقدام شده است. این مقاله دارای نوآوری است زیرا با وجود اهمیت این حوزه، تاکنون استخراج مدل مفهومی با استفاده از داده بنیاد انجام نشده است. با توجه به توضیحات بیان شده، هدف این پژوهش نیز مفهوم‌سازی در خصوص حکمرانی مشارکتی بر اساس نظریه داده بنیاد است. متناسب باهدف تحقیق و توضیحاتی که ارائه شد، مهم‌ترین سؤالات تحقیق به‌صورت زیر مطرح می‌شوند.

- ۱- وجود چه عواملی در کشور پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی را ضروری کرده است؟
- ۲- چه عواملی بر اجرای حکمرانی مشارکتی تأثیرگذار است؟
- ۳- مهم‌ترین موانع اجرای حکمرانی مشارکتی چیست؟
- ۴- در صورتی که حکمرانی مشارکتی در کشور اجرا شود، چه دستاوردهایی را به همراه خواهد داشت؟

۱. مبانی نظری

در اواخر قرن بیستم، «مشارکت» به یک کلمه رایج در سراسر علوم اجتماعی تبدیل شد. مشارکت تقریباً در فهرست راه‌حل‌های همه افراد برای معضلات اجتماعی ظاهر شد و اگر حکمرانی بیش‌ازحد بالا به پایین بود، رویکرد مشارکتی نوید گسترش مسیرهای ارتباطی بین مقامات دولتی و شهروندان را می‌داد (Altschuler & Corrales, 2013). مشارکت در مناسبات حکمرانی یا حکمرانی مشارکتی اخیراً به‌طور گسترده‌ای در صحنه حکمرانی ظاهر شده است. حکمرانی مشارکتی روشی برای مقابله با طیف وسیعی از مشکلات و تعارضات است که در آن افراد به‌طور مرتب با مذاکره با یکدیگر و همکاری در اجرای این تصمیمات، به تصمیمات رضایت‌بخش و قانع‌کننده می‌رسند (Schmitter et al., 2002).

حکمرانی مشارکتی نوعی از حکمرانی است که نقش‌آفرینان از سازمان‌های حکومتی، دولتی یا حوزه‌های خصوصی و اجتماعی در یک مسیر معین، سازنده و روبه‌جلو همکاری می‌کنند. تاکنون چندین مدل برای تعریف حکمرانی مشارکتی ارائه شده است که هر کدام از این مدل‌ها به تحلیل و بررسی فرایند مشارکت در ارائه خدمات عمومی پرداخته‌اند (Mohammadi & Danaeefard, 2019). فیلیپ اشمیتز^۱ در تعریف حکمرانی مشارکتی آورده است: «حضور منظم و تضمین‌شده هنگام

1. Philippe Schmitter

تصمیم‌گیری الزام‌آور نمایندگان آن دسته از گروه‌هایی است که تحت تأثیر سیاست اتخاذشده قرار می‌گیرند» (Camba, 2014). در حکمرانی مشارکتی، قدرت بین ذینفعان توزیع می‌شود و در این رویکرد، مردم به عنوان رای دهنده و ناظر کارکردهای دولت باشد (zhaleh baghdorani et al., 2022).

حکمرانی مشارکتی می‌تواند به‌عنوان رویکردی برای دستیابی به توافق قابل‌قبول‌تر، غنی‌تر و پایدارتر بین نهادهای حکمرانی و مردم دیده شود. بسیاری از کارشناسان در زمینه حکمرانی مشارکتی استدلال می‌کنند که پیچیدگی و عدم قطعیتی که به‌عنوان یک مشکل سخت در تصمیمات توصیف می‌شود، در صورتی حل می‌شود که از طریق مشارکت طرف‌های مختلف که مستقیماً مسئول و تأثیرگذار در حل مشکل هستند، حل شود. حکمرانی مشارکتی این فرآیند را از طریق تصمیم‌گیری جمعی تسهیل می‌کند (Halim, 2018). حکمرانی مشارکتی توسط بسیاری از پژوهشگران به‌عنوان راهی بالقوه برای از بین بردن تصور بیگانگی در رأی‌دهندگان و احساس سرخوردگی از روند سیاسی معرفی می‌شود و گفته می‌شود از مشارکت دادن شهروندان در تصمیماتی که زندگی آن‌ها را به شیوه‌ای معنادار تحت تأثیر قرار می‌دهد، حمایت می‌کنند. البته گفتنی است، حامیان حکمرانی مشارکتی از دموکراسی نماینده محور انتقاد می‌کنند، چراکه این نوع از دموکراسی را بیش‌از حد بر عمل رأی‌گیری متمرکز می‌دانند (Batory & Svensson, 2019).

مشارکت ذینفان کلیدی را در فرایند سیاستگذاری باعث پشتیبانی عمومی برای اصلاحات سیاسی و رفع تضادهای برخاسته از اقدامات سیاستی می‌شود (Heidari, 2022). حکمرانی مشارکتی در کشورهای در حال توسعه به‌طور گسترده به‌عنوان یک پیش‌نیاز اساسی برای اجرای موفقیت‌آمیز پروژه‌های عمومی تلقی می‌شود (Waheduzzaman et al., 2018). حکمرانی مشارکتی به دنبال مشارکت و همکاری اکثر ذینفعان^۱ (مردم و نهادهای حکمرانی) در فرآیند حکمرانی با روش‌هایی مانند تصمیم‌گیری جمعی و کار جمعی است و دارای سه ویژگی اختیاری بودن، آگاهانه بودن و هدفمند بودن است. در خصوص ویژگی هدفمند بودن مشارکت باید گفت که طیف متنوعی از اهداف در نظر ذینفعان می‌تواند منجر به ایجاد انگیزه برای مشارکت آن‌ها شود.

۱. ذینفعان افراد یا سازمان‌هایی هستند که بر روی تصمیم یا فرآیندی تأثیر می‌گذارند یا تأثیر می‌پذیرند یا فکر می‌کنند که تأثیرگذار یا تأثیرپذیرند. (استاندارد ISO9001:2015)

۲. پیشینه تحقیق

قربانی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی شبکه ذی‌نفعان محلی در راستای حکمرانی مشارکتی منابع طبیعی (منطقه مورد مطالعه: شهرستان سرایان، استان خراسان جنوبی)» به ارزیابی خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی برون‌گروهی پرداخته است. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که میزان اعتماد و مشارکت و به‌نوعی سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در بین سرگروه‌های کمیته‌های خرد توسعه روستایی در هر چهار منطقه روند افزایشی بعد از اجرای پروژه داشته است که نشانگر تأثیر مثبت مشارکت بر ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌باشد (Ghorbani et al., 2018).

زند رضوی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «درخواست حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب بررسی کیفی ادراک ارتباطی ذی‌نفعان آب‌های زیرزمینی دشت رفسنجان» به شناسایی مقوله‌های مرتبط با درخواست حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب پرداخته است. مقوله‌های شناسایی شده در این مقاله عبارتند از: درخواست انصاف، درخواست مشارکت، ادراک تغییرات اقلیمی، درخواست پاسخگویی و بینش مشارکت‌جو (Zand Razavi et al., 2018).

محمدی و دانایی‌فرد (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی حکمرانی مشارکتی توسعه انرژی تجدیدپذیر ایران: رویکرد نهادی»، مدلی در خصوص توسعه مشارکتی و با رویکرد نهادی در ایران طراحی کرده است. در این مدل برای تقویت مشارکت و رسیدن به نتایج مطلوب، به حل تعارضات، اعتمادسازی و ایجاد تعهد میان نقش‌آفرینان پرداخته است. در مدل طراحی‌شده نهادهای شناختی، هنجاری و رسمی به‌طور هم‌زمان به‌عنوان عامل پیشرفت و عامل توقف در توسعه مشارکت معرفی شده است. در این مقاله بیان شده است که دولت با وضع قوانین تشویقی و تضمینی نقش مهمی را در ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری ایفا می‌کند؛ اما برخی از موانع نهادی هنجاری و شناختی، مانند تضاد منافع، عدم تعهد دولتمردان و عدم اعتمادبخش خصوصی موجب کاهش سرعت توسعه می‌شود (Mohammadi & Danaeefard, 2019).

قربانی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در راستای استقرار حکمرانی مشارکتی منابع طبیعی (منطقه مورد مطالعه: شهرستان ابرکوه، استان یزد)»، میزان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی

بررسی کرده است. این بررسی در اجرای یک پروژه‌ی اجتماع‌محور در دو بازه‌ی زمانی قبل و بعد از اجرا در شبکه‌ی ذی‌نفعان محلی انجام شده است. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که تراکم در پیوند اعتماد و مشارکت به میزان محسوسی افزایش پیدا کرده است. این موضوع نشان می‌دهد که سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی شبکه‌ی نیز افزایش یافته است (GHORBANI et al., 2020).

هیرش و شولمن (۱۹۷۶)، در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی مشارکتی: الگویی برای تصمیم‌گیری مشترک» بیان می‌کند که مشارکت در تصمیم‌گیری سازمانی به‌عنوان مسئولیتی تلقی می‌شود که باید توسط متصدیانی که خدمات مستقیم را ارائه می‌دهند، انجام شود. نویسندگان این مقاله مقدمات و ساختارهای تسهیل‌کننده و همچنین موانع و پاداش‌ها را در زمینه تصمیم‌گیری مشارکتی ارائه می‌دهند (HIRSCH & SHULMAN, 1976).

هورسلی (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای با عنوان «مشارکت عمومی در جمهوری خلق: توسعه یک الگوی حکمرانی مشارکتی بیشتر در چین» بیان می‌کند که با توجه به افزایش حوادث و اعتراضات مدنی در چین، رهبران محلی اغلب هنوز برای سرکوب انتقاد و اعتراض به‌زور متوسل می‌شوند، اما رهبری مرکزی متوجه می‌شود که مدل حکمرانی آن‌ها باید تغییر کند تا به مسائل اساسی که باعث ناآرامی‌های اجتماعی می‌شوند و دستیابی به یک «جامعه هماهنگ‌تر» بهتر رسیدگی کنند. در این مقاله حکمرانی مشارکتی بهترین روش برای تقویت انسجام ملی و افزایش سرمایه اجتماعی بیان شده است (Horsley, 2009).

واحد زمان و گرامبرگ (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان «آمادگی بوروکراتیک در مدیریت حکمرانی مشارکتی در سطح محلی: زمینه کشور در حال توسعه» آمادگی بوروکراتیک برای حکمرانی مشارکتی در بنگلادش ارزیابی می‌کند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که می‌توان آمادگی را از نظر عوامل انگیزشی و آموزشی طبقه‌بندی کرد (Waheduzzaman et al., 2018).

فورد (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی مشارکتی در ایرلند: نوآوری نهادی و تلاش برای تفکر مشترک» به‌نقد تکامل و عملکرد حکمرانی مشارکتی محلی در ایرلند می‌پردازد. این مقاله استدلال می‌کند که برای مؤثر بودن، حکمرانی مشارکتی نیازمند فرآیندهای مشارکتی قوی و فراگیر در تمام سطوح دولت، یک مبنای ایدئولوژیک و سیاستی روشن، یک برنامه منسجم و پایه‌های نهادی پذیرا است (Forde, 2020).

۳. روش‌شناسی

نظریه داده بنیاد توسط تحقیقات گلاسر و استراس^۱ (۱۹۶۷)، که روش‌های استقرایی را برای تولید نظریه جدید از داده‌ها ارائه می‌دهد، در تحقیقات اجتماعی معرفی شد. نظریه پردازی داده بنیاد^۲ یک روش مقایسه‌ای مستمر است که الگوها و تفاسیر در داده‌های اولیه را مشخص می‌کند و به دنبال توضیح جامع و ارائه یک نظریه است (Yates, 2020).

روش داده بنیاد یک روش تحقیق کیفی برای روشن‌سازی فرایندهای اجتماعی نهفته در پس تعاملات انسانی است. این روش به‌جای آنکه با استناد بر یک نظریه به تفسیر و تحلیل اطلاعات بپردازد، با تمرکز بر داده‌های جمع‌آوری‌شده و بر اساس محتوای آن‌ها، نظریه‌ای تنظیم می‌شود (King & Snowden, 2020). در این رویکرد، تحقیق با یک نظریه و اثبات آن شروع نمی‌شود، بلکه یک‌روند تحقیقاتی مشخص با یک حوزه مطالعاتی خاص، شروع می‌شود و به‌تدریج موارد مرتبط با آن پدیدار می‌شوند (Kokorelias & Ashcroft, 2020). در روش نظریه داده بنیان از سه نوع کدگذاری استفاده می‌شود که عبارتند از (da Silva Barreto et al., 2018):

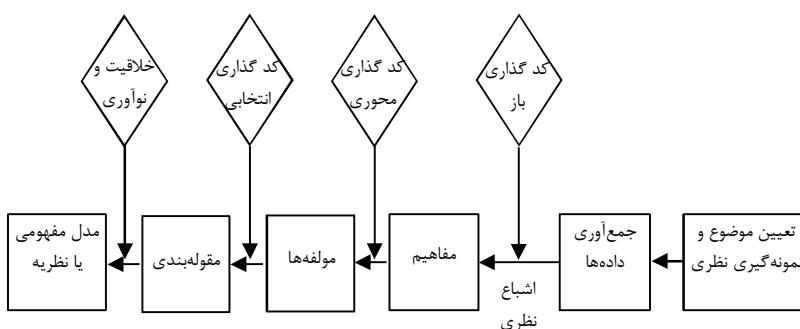
- کدگذاری باز^۳: پدیدآوردن مفاهیم و ویژگی‌های آن‌ها
- کدگذاری محوری^۴: برقراری ارتباط بین مفاهیم
- کدگذاری گزینشی^۵: یکپارچه‌سازی و بهبود مفاهیم

این مراحل رفت و برگشتی هستند، به‌عنوان مثال در هنگام کدگذاری باز، برخی از روابط بین مفاهیم به نظر پژوهشگر رسیده و این روابط برقرار می‌گردند. همچنین، در هنگام برقراری ارتباط بین مفاهیم، مفاهیم جدیدی کشف می‌گردد. واژه کدگذاری در اینجا به معنای انتخاب واژه برای مضامین است؛ به‌عبارت‌دیگر، وقتی واژه‌ای را برای یک مضمون در نظر می‌گیریم، آن مضمون را کدگذاری کرده‌ایم (Zimmermann et al., 2020).

جمع‌آوری داده‌ها در این روش با کمک مصاحبه انجام می‌شود و انتخاب نمونه بعدی مصاحبه تا جایی انجام می‌شود که کد جدیدی از مصاحبه استخراج نشود؛ به‌عبارت‌دیگر، اطلاعات جدید حاصل نشود و مصاحبه‌های جدید داده‌ای را به

1. Glaser and Strauss
2. Grounded Theory
3. Open Coding
4. Axial Coding
5. Selective Coding

مقوله‌های قبلی اضافه نکند و روابط میان مقوله‌ها را نیز تغییر ندهد (اشباع نظری)^۱. بعد از دسته‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل نتایج بر اساس آن صورت می‌گیرد تا الگوی ذهنی افراد در حکمرانی مشارکتی استخراج شود؛ بنابراین، مراحل مدل‌سازی داده بنیاد به این صورت است که ابتدا داده‌ها کدگذاری باز می‌شوند، سپس مفاهیم اولیه استخراج می‌شوند و سپس بر اساس کدگذاری محوری، داده‌ها در مقوله‌های اصلی طبقه‌بندی می‌شوند. در نهایت بر اساس کدگذاری انتخابی ساختار کلی الگوی ذهنی استخراج می‌شود (Charmaz, 2015). این مراحل در شکل (۱) نشان داده شده است.



Source: (Charmaz, 2015)

شکل (۱): مدل توسعه یافته فرآیند اجرای گراندد تئوری

۳-۱. روش نمونه‌گیری و گردآوری داده‌ها

جامعه آماری این تحقیق شامل اساتید دانشگاهی، مدیران و صاحب‌نظران حوزه حکمرانی مشارکتی آشنا بوده‌اند، می‌باشد. در این مطالعه با هدف گردآوری باکیفیت‌ترین داده‌ها و با برخورداری از شناختی که از مدیران اثربخش وجود داشته است، در ابتدای کار با سه نفر از مدیران با عملکرد برتر از میان تعداد زیاد مدیران دولتی، مصاحبه‌های اولیه انجام شد و بدین ترتیب، پرسش‌های اولیه‌ای که در راستای سؤال اصلی تحقیق فهرست شده بود، مورد بازنگری قرار گرفت. در این مرحله، محورها و سؤالات مصاحبه بر اساس بازخوردهایی که از مصاحبه‌های اولیه اخذ شد، مورد بازبینی قرار گرفت و به تدریج اصلاح شد. در هر جلسه مصاحبه،

1. Theoretical saturation

مشارکت‌کننده یک یا دو نفر از افرادی را که می‌توانستند به پربرتر شدن این تحقیق کمک کنند، معرفی می‌کردند. در ادامه نیز، با مراجعه به سایر خبرگان آشنا با این مباحث، نمونه موردنظر به دست آمد.

لازم به ذکر است، در پایان جلسه مصاحبه، درخواست برای معرفی نفر بعدی مطرح می‌شد و مصاحبه‌شونده با توجه به آشنا شدنش با موضوع و اهداف پژوهش، می‌توانست با دقت بیشتری فرد بعدی را معرفی کند. به این شیوه دستیابی به نمونه‌ها در ادبیات روش‌شناسی، اصطلاحاً روش گلوله برفی می‌گویند. با توجه به اینکه در این مطالعه، مبنای تحقیق بر اساس روش کیفی بوده و به‌طور خاص از راهبرد نظریه‌پردازی داده بنیاد استفاده شده، نمونه‌گیری نیز تابع قواعد همین روش بوده و به شیوه هدفمند و نظری انجام شده است. حجم نمونه در این رویکرد، در حین کار مشخص می‌شود و همان‌طور که گفته شد، نمونه‌گیری آن‌قدر ادامه می‌یابد تا اشباع داده‌ها حاصل شود. در این تحقیق، از مصاحبه پانزدهم، پژوهشگران به لحاظ داده‌ها به مرحله اشباع رسیدند؛ اما برای حصول اطمینان از جمع‌آوری داده‌های کافی، مصاحبه‌ها تا ۲۷ نفر ادامه پیدا کرد.

۳-۲. روش اعتبارسنجی پژوهش

به‌منظور حصول اطمینان از اعتبار یافته‌های تحقیق و صحت فرایند تحلیل داده‌ها، با وجود رسیدن به اشباع نظری در مصاحبه پانزدهم، مصاحبه‌ها تا نفر بیست و هفتم ادامه یافت. برخی از کدگذاری‌های اولیه به رؤیت مصاحبه‌شوندگان رسید، نتایج کدگذاری انتخابی با چند تن از صاحب‌نظران حکمرانی مشارکتی در میان‌گذارده شد و نظرات آنان اعمال شد. همچنین، نتایج تحقیق در اختیار چند تن از کارکنان سازمان‌های دولتی که واجد تخصص مدیریتی بودند قرار گرفت و بر اساس بازخوردهای ارائه‌شده استحکام نتایج تقویت شد. در کنار این موارد، درگیری طولانی‌مدت پژوهشگران با پیشینه تحقیق و شناخت مناسب از متون علمی و فضای مطالعه به اعتبار یافته‌ها کمک کرده است؛ بنابراین، برای حصول اطمینان از روایی پژوهش، اقدامات زیر انجام شده است:

- الف) تطبیق توسط مشارکت‌کنندگان: نظر خبرگان در مرحله کدگذاری اعمال شد.
- ب) بررسی توسط سایر اساتید: سه تن از اساتید هیئت‌علمی دانشگاه مرتبط با موضوع، به بررسی یافته‌ها و اظهارنظر پرداختند.
- ج) پیشینه تحقیق: مفاهیم به‌دست‌آمده به‌طور هم‌زمان با پیشینه تحقیق مقایسه

شد و مورد تحلیل قرار گرفت.

د) مشارکتی بودن پژوهش: پژوهش حاضر به صورت هم‌زمان با مشارکت نویسندگان به دست آمده است و نظرات هر سه نفر در تحلیل و تفسیر داده‌ها جمع شده است.

۳-۳. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور دستیابی به داده‌هایی که بتواند پرسش پژوهش را پاسخ دهد، مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته با مدیران منتخب انجام شد. در این مصاحبه‌ها که زمان آن‌ها بین ۱۰ تا ۱۰۰ دقیقه متغیر است، محورهای گفتگو از قبل در اختیار مصاحبه‌شونده قرار گرفت تا بتواند با آمادگی مطلوب در جلسه شرکت کرده، اطلاعات مورد نظر را ارائه کند. مصاحبه‌های انجام شده ثبت و هر یک از آن‌ها بلافاصله مورد تحلیل قرار گرفتند. در برخی جمله‌ها، مصاحبه‌شوندگان از اصطلاحاتی استفاده می‌کردند که مستقیماً به عنوان یک کد، قابل استفاده بوده است. بر اساس کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی، مفاهیم به‌طور مستمر داده‌ها مورد بازبینی و ارزیابی قرار می‌گیرند و بر اساس تشابه آن‌ها ذیل یک مفهوم جمع‌آوری شدند. این فرآیند با این قدر تکرار می‌شود تا کدهای اولیه به مفاهیم و مفاهیم نیز هر یک بر اساس فرایند تجانس مفهومی، در قالب مفاهیم وسیع‌تری به عنوان مقوله سازمان‌دهی می‌شوند و بر همین اساس مقولات استخراج شده بر اساس منطق مقایسه مستمر، بر حسب نزدیکی مفهوم، در قالب طبقات با یکدیگر ترکیب می‌شوند.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در قالب نتایج حاصل از سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی ارائه می‌شوند.

۱- **کدگذاری باز:** کدگذاری باز فرایند است تحلیلی که مربوط به نام‌گذاری مفاهیم و طبقه‌بندی و کشف ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها و از طریق انجام دادن مقایسه‌ای مستمر است که پژوهشگر مفاهیم مختلف را از زوایای گوناگونی تحلیل و بررسی می‌کند تا دیدگاه متفاوتی در خصوص جایگاه یک مفاهیم به دست آورد (Corbin & Strauss, 2014). در این مرحله ابتدا مطالب مربوط به حکمرانی مشارکتی در مصاحبه‌ها، جمله به جمله بررسی می‌شوند و نکات و مضامین کلیدی آن کدگذاری می‌شوند. این کدها در قالب مفاهیمی هستند که از جملات متن‌های

مرتبط با حکمرانی مشارکتی به دست می‌آیند. با بررسی و مطالعه اطلاعات، ۸۶ جمله مرتبط با موضوع از متون استخراج شده، سپس مطالب با کدهای تکراری حذف شده و در نهایت ۲۵ جمله کدگذاری شده که در جدول ۱، جمع‌آوری شده است. شناسه مربوط به حکمرانی مشارکتی با حرف «R» نشان داده شده است.

جدول (۱): تولید مفاهیم اولیه از داده‌های مرتبط با حکمرانی مشارکتی در کدگذاری باز

شناسه	داده	مفهوم (کد)
R1	به نظر می‌رسد هنوز یک فهم کامل و صحیحی نسبت به حکمرانی مشارکتی صورت نگرفته است. این مسئله ممکن است عوامل متعددی داشته باشد. مثلاً: ممکن است هنوز فواید این روش به‌خوبی تبیین نشده باشد و یا هنوز فرایند و ابزاری برای پیاده‌سازی این روش ارائه نشده باشد و یا این روش را روش وقت‌گیر و خسته‌کننده‌ای می‌دانند!	عدم احساس نیاز به حکمرانی مشارکتی و درک مزایای آن
R2	وقتی که از مشارکت‌های مردمی و جامعه نخبگانی در حوزه حکمرانی استفاده نشود به‌مرور زمان فاصله بین مردم و دستگاه‌های حکمرانی زیاد می‌شود و انگیزه‌های حمایت‌های مردمی و حرکت‌های خیرخواهانه اجتماعی کاهش می‌یابد و بدین ترتیب تنش‌ها، شکایات و اعتراضات به دلیل ابلاغ تصمیمات انفرادی حکمرانان و در نظر نگرفتن منافع جمعی، افزایش می‌یابد و توده جامعه حکومت‌گریز می‌شوند. بدین ترتیب هر بهانه و درخواست صنفی موجب بروز اغتشاش و درگیری بین عوامل حکومت و مردم می‌شود.	فاصله بین نخبگان و مردم با نهادهای حکمرانی و افزایش تنش‌ها
R3	تجربه نشان داده است که در کشور ما متأسفانه تصمیمات مشارکتی و بالتبع، کارهای مشارکتی بسیار ضعیف و پرچالش است و این مسئله از همان ابتدای زندگی در ابعاد مختلف زندگی خودش را نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال: در حوزه ورزش معمولاً رشته‌هایی که به‌صورت انفرادی برگزار می‌شود، موفق‌تر از رشته‌های تیمی و گروهی است. ممکن است این مسئله به عدم فرهنگ‌سازی و آموزش از همان ابتدای زندگی برگردد. مقام معظم رهبری (مدظله) نیز «ضعف فرهنگ کار مشارکتی» را به‌عنوان یکی از نقاط ضعف ملی در بحث سبک زندگی و تحقق فرهنگ زندگی اسلامی مطرح کرده‌اند. (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳ و بیانات در دیدار وزیر علوم و اساتید دانشگاه، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳)	ضعف فرهنگ کار مشارکتی

شناسه	داده	مفهوم (کد)
R4	<p>با توجه به اینکه در اکثر مواقع تصمیمات یک حکمران، افراد زیادی را در برمی‌گیرد؛ طبق نظریه انتخاب اجتماعی، معمولاً مشکل اصلی در تصمیم‌گیری مشارکتی و بالتبع حکمرانی مشارکتی، تجمع ترجیحات متنوع فردی است؛ زیرا گرچه در عمل اهداف اغلب برای افراد مشخص است، اما اطلاعات موجود برای هر فرد و توانایی آن‌ها در استفاده بهینه از این اطلاعات، متفاوت است. چراکه مدل‌های ذهنی تصمیم‌گیرندگان همراه با عوامل سازمانی، سیاسی، شخصی و عوامل دیگر بر انتخاب افراد از مجموعه‌ی اطلاعات موجود تأثیر می‌گذارد و لزوماً نیز به‌طور بهینه پردازش نمی‌شوند؛ بنابراین، به میزانی که تعداد تصمیم‌گیران در حوزه حکمرانی افزایش یابد، پیچیدگی فرآیند تصمیم‌گیری نیز افزایش می‌یابد.</p>	<p>ضعف در رسیدن به تفاهم و تجمیع نظرات</p>
R5	<p>هدف در حکمرانی مشارکتی به صحنه آوردن عامه مردم در فرآیند حکمرانی و ذی‌نفع کردن آن‌هاست. در حالی است که به نظر می‌رسد در خیلی از اوقات درک مناسبی از رفتار و مدل‌های ذهنی افراد وجود ندارد. برای فهم صحیح از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری مردم تنظیم مناسبات آنان با بخش حکمرانی، می‌توان از علوم کمک‌کننده‌ای مانند علوم اجتماعی و علوم شناختی و رفتاری استفاده کرد. مهم‌ترین خروجی آن نیز فهم تورش‌های رفتاری و سوء‌گیری‌های تصمیم‌گیری در بدنه جامعه و فضای حکمرانی است و این مسئله مهمی است که در بیشتر مواقع مورد غفلت قرار می‌گیرد.</p>	<p>درک نامناسب رفتارها و مدل‌های ذهنی افراد</p>
R6	<p>ماهیت انسان در اسلام و غرب کاملاً متفاوت بوده و پیامدهای این مسئله در حوزه حکمرانی نیز نمود پیدا می‌کند؛ بنابراین، به دلیل نگاه متفاوت به انسان، جامعه و فضای حکمرانی در رویکرد اسلامی و غربی، پرداختن به مسئله حکمرانی مشارکتی با استفاده از مبانی اسلامی و با کمک سیره و سنت اهل بیت (ع) نیز کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. به‌عنوان نمونه: انسان در مبانی اسلامی دارای انگیزه‌ی الهی، نوع‌دوستی، فداکاری و ازخودگذشتگی، توجه به آخرت و تقوا ... است، درحالی‌که در انسان غربی چنین مواردی موضوعیت ندارد و انسان در چارچوب نظری اومانیزم، همه‌ی هویتش در مادیات خلاصه می‌شود. بدیهی است، با توجه به ماهیت متفاوت انسان در تصمیم‌گیری‌ها و رفتار در جهان‌بینی اسلامی و غربی، مدل‌های حکمرانی آن‌ها نیز متفاوت باشد.</p>	<p>ماهیت متفاوت حکمرانی در اسلام و غرب</p>
R7	<p>عقاید و باورها، احکام و ارزش‌هایی که می‌توانند بر افراد در موقعیت تصمیم‌گیری در حکمرانی آنان تأثیرگذار باشد و راهنما و هدایتگر</p>	<p>باورها</p>

شناسه	داده	مفهوم (کد)
	افراد باشد.	
R8	تأثیر و تأثرها و فعل و انفعال‌های روحی و فرهنگی افراد در یکدیگر شامل محیط اجرایی تصمیم، فرهنگ حاکم بر محیط تصمیم، هنجارها و فرهنگ ناهنجارهای محیط، رویه‌ها و ارزش‌های حاکم بر محیط تصمیم.	فرهنگ
R9	انسان در فرایند رسیدن به مقصود با کمک علم و عمل خویش، هویت و شخصیت و «شاکله» خود را می‌سازد که منشأ شکل‌گیری تصمیمات و رفتارهای اوست. عوامل و عناصر شخصیتی از قبیل بینش، نگرش و احساسات، خلق و خوی و هوش همگی در تصمیماتی که فرد اتخاذ می‌نماید، نقش مؤثری دارند و در افراد مختلف، منجر به تمایز و اشتراک می‌شود.	شخصیت
R10	افراد برای تصمیم‌گیری و رفتار خود جهت رسیدن به اهدافشان، تمایل و انرژی درونی‌شان را به کار می‌گیرند.	انگیزه
R11	اطلاعات سازمان‌دهی و تجزیه و تحلیل شده که می‌تواند قابل‌درک و نیز کاربردی برای حل مسئله و تصمیم‌گیری باشد.	دانش
R12	ایجاد و توسعه مهارت‌های لازم برای گرفتن تصمیم‌های خوب، فوق‌العاده مهم و حیاتی است.	مهارت
R13	حکمرانی مشارکتی نیاز به ساختارها و ابزارهایی برای انجام وظایف حکمرانی دارد. اگر ساختار مناسبی برای مردم فراهم شود، می‌توانند نقش فعال‌تری در حکمرانی ایفا کنند.	ساختار
R14	متکبر به رویکرد مشارکتی اعتقادی ندارد و نه خود از دانش و اطلاعات دیگران بهره می‌گیرند و نه به دیگران اطلاعات می‌دهند.	تکبر
R15	ممکن است برخی از مدیران و مسئولان دستگاه‌های حکمرانی کشور ذاتاً افراد فردگرا و یا مستبدی باشند و از رویکردهای مشارکتی استقبال نکنند.	خودرأیی
R16	اگر مردم جامعه‌ای به دستگاه‌های حکمرانی خود اعتماد نکنند به هیچ‌وجه حاضر به همکاری با آن نمی‌شوند، زیرا می‌ترسند به جزء زیان چیزی عاید آن‌ها نشود.	بی‌اعتمادی
R17	منفعت‌طلبی باعث یک‌جانبه‌گرایی در تصمیم‌گیری‌ها به سمت منافع فردی می‌شود و اهداف حکمرانی را در صورت تعارض از بین می‌برد.	تعارض منافع
R18	تا زمانی که ساختار حکمرانی مشارکتی در قالب سازوکارها، روش‌ها و ابزارها مشخص نشود، حکمرانی مشارکتی توفیقی نخواهد داشت.	ایجاد ساختار و ابزار مناسب
R19	به دلیل ضعف فرهنگ کار مشارکتی در کشور، یکی از مهم‌ترین راهبردها فرهنگ‌سازی و تبیین فواید کار مشارکتی و حکمرانی	ترویج و فرهنگ‌سازی

شناسه	داده	مفهوم (کد)
	مشارکتی در بین مردم است.	
R20	بسیاری از مردم هستند که تمایل به مشارکت دارند ولی راه و روش آن را نمی‌دانند؛ بنابراین، مشارکت در حکمرانی نیاز به آگاه‌سازی، آموزش افراد آموزش و توانمندسازی افراد دارد.	آموزش افراد
R21	دستگاه‌های حکمرانی باید بتوانند اعتماد مردم را برای مشارکت جلب کنند. مثلاً سازوکاری جهت اعلام نتایج مشارکت‌های مردمی و ارزیابی آن‌ها ایجاد کنند.	اعتمادسازی
R22	یکی از مهم‌ترین دستاوردهای بسیار مهم حکمرانی مشارکتی افزایش رشد (پیشرفت) توده جامعه است. پیشرفت در یک کشور و یا یک سازمان توسط افراد جامعه صورت می‌گیرد و پژوهش‌ها نشان می‌دهد که رویکردهای مشارکتی در رفع بسیاری از ناکارآمدی‌های اجتماعی و پیشرفت در جامعه مؤثر است. رویکرد مشارکتی فضایی را در جامعه ایجاد می‌کند که منجر به همکاری، هم‌افزایی و رشد در بین افراد می‌شود. رشد در جامعه از طریق حکمرانی مشارکتی با استفاده از افزایش انگیزه افراد جامعه، افزایش سطح تلاش آن‌ها، افزایش دانش، افزایش یادگیری، افزایش خلاقیت، هم‌افزایی بین افراد جامعه و شکوفایی استعدادها صورت می‌گیرد. حکمرانی مشارکتی به میزان زیادی می‌تواند مردم را در امور حکمرانی درگیر کند و از این طریق زمینه لازم را برای رشد، آگاهی و افزایش مهارت مردم فراهم کند.	افزایش رشد (پیشرفت) در کشور
R23	حکمرانی مشارکتی باعث انسجام در جامعه می‌شود که یکی از پیامدهای بسیار مهم و کلیدی محسوب می‌شود. این انسجام از طریق افزایش تعهد بین توده جامعه نسبت به مسائل مختلف بین حکمرانان و افراد جامعه، اتحاد بین مردم، کاهش تعارضات، نیاز متقابل بین دستگاه‌های حکمرانی و مردم و هماهنگی بیشتر بین آن‌ها ایجاد می‌شود؛ بنابراین، به نظر می‌رسد با استفاده از شیوه حکمرانی مشارکتی می‌توان مقدار قابل توجهی منجر به انسجام و وحدت در جامعه شود؛ زیرا مردم به انجام امور مربوط به جامعه و دولت متعهد می‌شوند و خود را قسمتی از فضای حکمرانی به حساب می‌آورند.	افزایش انسجام در جامعه
R24	حکمرانی مشارکتی زمینه را برای عدالت بیشتر فراهم می‌کند. عدالت در حکمرانی مشارکتی از طریق افزایش نظارت مردم، کاهش تبعیض بین مسئولان و مردم، توزیع عادلانه قدرت، افزایش شفافیت، کاهش فساد و تعارض منافع اتفاق می‌افتد. یکی از	افزایش عدالت در جامعه

مفهوم (کد)	داده	شناسه
	نقش‌هایی که مردم می‌توانند در حکمرانی مشارکتی ایفا کنند، نقش نظارتی است که این امر نیز به‌مرور زمان باعث کاهش فساد و افزایش عدالت در فضای حکمرانی می‌شود.	
	یکی دیگر از خروجی‌های مهم حکمرانی مشارکتی، افزایش بهره‌وری است. در حکمرانی مشارکتی افزایش بهره‌وری به‌وسیله کاهش اتلاف منابع، افزایش دقت تصمیمات، کاهش زمان اجرای کشور تصمیم، افزایش نظارت‌ها و افزایش کمک‌های مردمی اتفاق می‌افتد.	R25

۲- **کدگذاری محوری:** پس از یافتن مفاهیم مرتبط با حکمرانی مشارکتی، به مقوله‌بندی آن‌ها می‌پردازیم. «مقوله، طبقه‌بندی مفاهیم است». زمانی که مفاهیم مختلف با یکدیگر مقایسه می‌شوند، پدیده‌هایی که با یکدیگر تشابه بیشتری دارند، یک مقوله را می‌سازند. بدین صورت مفاهیم بانظم بیشتری مرتب‌شده و دسته‌بندی می‌شوند (Zimmermann et al., 2020). روش مقوله‌بندی در این پژوهش از نوع روش انباشتی می‌باشد، که در آن ضمن کار بر روی محتوا و در برخورد با هر مفهوم، یک طبقه جدید تشکیل می‌شود و مفاهیم مشابه با طبقه جدید تحت آن عنوان سازمان‌دهی می‌شوند. در جدول (۲) مفاهیم هر یک از داده‌های استخراج‌شده از متن و در نهایت طبقه‌بندی آن‌ها نشان داده شده است. بدین ترتیب که بر اساس مشابهت، ارتباط مفهومی و خصوصیات مشترک بین کدهای باز، ۲۵ مفهوم به‌دست‌آمده در قالب ۵ مقوله شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها، دسته‌بندی شده‌اند.

جدول (۲): مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با حکمرانی مشارکتی در کدگذاری محوری

مقوله‌ها	مفاهیم	شناسه
شرایط علی	عدم احساس نیاز به حکمرانی مشارکتی و درک مزایای آن + فاصله بین نخبگان و مردم با نهادهای حکمرانی و افزایش تنش‌ها + ضعف فرهنگ کار مشارکتی + ضعف در رسیدن به تفاهم و تجمیع نظرات + درک نامناسب رفتارها و مدل‌های ذهنی افراد + ماهیت متفاوت حکمرانی در اسلام و غرب	R1+R2+R3+R4+R5 + R6
شرایط مداخله‌گر	باورها + فرهنگ + شخصیت	R7+R8+R9
شرایط زمینه‌ای	شرایط سوق‌دهنده: انگیزه + دانش + مهارت + ساختار	R10+R11+R12+R13 R14+R15+R16+R17

مقوله‌ها	مفاهیم	شناسه
	شرایط بازدارنده: تکبر + خودرأیی + بی‌اعتمادی + تعارض منافع	
راهبردها	ایجاد ساختار و ابزار مناسب + ترویج و فرهنگ‌سازی + آموزش افراد + اعتمادسازی	R18+R19+R20+R21
پیامدها	افزایش رشد (پیشرفت) در کشور + افزایش انسجام در جامعه + افزایش عدالت در جامعه + افزایش بهره‌وری در کشور	R22+R23+R24+R25

در ادامه، تعاریف مرتبط با این ۵ مقوله، توضیح داده می‌شوند (Corbin & Strauss, 2014):

• **شرایط علی^۱:** به شرایطی شرایط علی گفته می‌شود که در به وجود آوردن پدیده مورد مطالعه، عاملی اصلی باشد. نتیجه تحلیل پاسخ مصاحبه‌شونده‌ها به سؤالاتی مانند برداشت و تلقی آنان از علل ایجاد حکمرانی مشارکتی و ضرورت به کارگیری آن، حاکی از وجود ۵ مفهوم اصلی در خصوص شرایط علی در به وجود آمدن پدیده مورد مطالعه است که در جدول (۲) کدهای باز مربوط به آن‌ها نشان داده شده است.

• **پدیده محوری^۲:** رخداد یا اتفاقی است که باعث به وجود آمدن یکسری اقداماتی برای کنترل یا مدیریت آن اتفاق می‌شود. پدیده محوری که در این پژوهش بررسی شده است، حکمرانی مشارکتی می‌باشد.

• **شرایط مداخله‌گر^۳:** شرایط مداخله‌گر کلی و وسیع هستند که بر چگونگی کنش متقابل بین مسائل تأثیر می‌گذارند. در این مقاله، بر اساس تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، چهار مؤلفه به‌عنوان شرایط مداخله‌گر محیطی شناسایی شد.

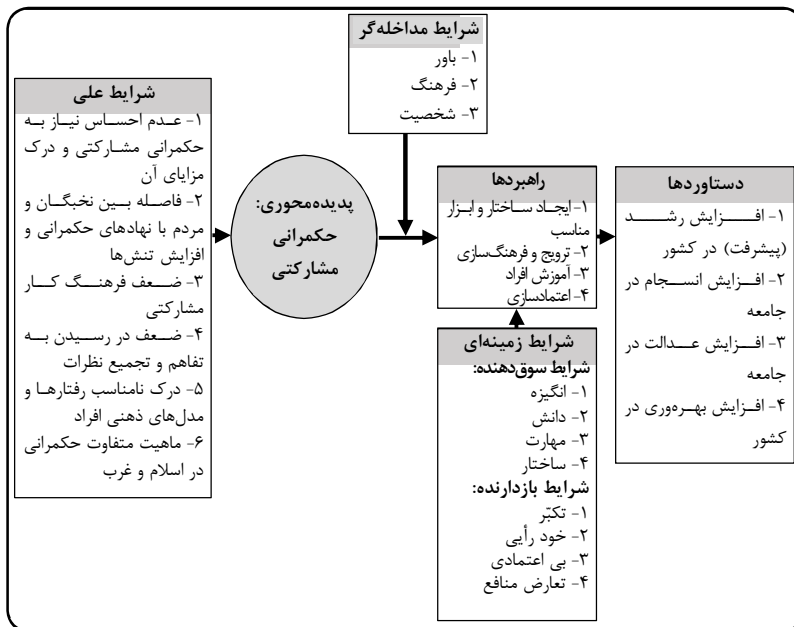
• **شرایط زمینه‌ای^۴:** شرایطی است که زمینه‌ساز به وجود آمدن یک پدیده را فراهم می‌کند. به بیان دیگر، شرایط زمینه‌ای محلی است برای به وجود آمدن یک اتفاق مرتبط با پدیده و در آن مجموعه اقداماتی برای کنترل و پاسخ به پدیده انجام می‌شود. شرایط زمینه‌ای بر پدیده اصلی و راهبردهای مستخرج از پدیده تأثیر می‌گذارند. شرایط زمینه‌ای در این پژوهش به دو قسمت شرایط سوق‌دهنده و شرایط بازدارنده تقسیم می‌شود. سوق‌دهنده‌ها سرعت رسیدن به حکمرانی

1. casual conditons
2. core Phenomenon
3. Intervening conditions
4. contextual conditions

مشارکتی را افزایش می‌دهند و شرایط بازدارنده شرایطی هستند که به‌عنوان یک مانع جهت دستیابی به هدف شناخته می‌شوند. این شرایط معمولاً سرعت دستیابی به نتایج را کم می‌کنند یا از استمرار آن جلوگیری می‌کنند.

- **راهبردها^۱**: در نظریه داده بنیاد، راهبردها به استخراج راه‌حل‌هایی برای مواجهه با پدیده مورد مطالعه اشاره دارد که هدف آن مدیریت پدیده مورد مطالعه و یا حل کردن یک مسئله خاص است. در این مقاله، ۴ راهبرد اصلی شناسایی شده است.
- **پیامدها^۲**: پیامد نتیجه مجموعه اقداماتی است که در خصوص اجرایی شدن یک راهبرد به وجود می‌آید. در این پژوهش با بررسی‌های صورت گرفته ۴ پیامد اساسی برای رسیدن به وضعیت مطلوب در خصوص حکمرانی مشارکتی پیشنهاد شده است.

۳- کدگذاری انتخابی: در روش داده بنیاد، ما می‌خواهیم مقولات به‌دست‌آمده و روابط بین آن‌ها را کشف کنیم و آن مقوله‌ها را به شکلی جدید و نه به شکل معمول شناخته‌شده، به هم ربط دهیم؛ بنابراین، در این مرحله پدیده محوری یعنی «حکمرانی مشارکتی» را در مرکز فرآیندی که در حال بررسی آن هستیم، قرار داده و سپس مقوله‌های به‌دست‌آمده در جدول (۳) را متناسب با نوع ارتباط آن‌ها با پدیده محوری در مدل پارادایم «استراوس و کوربین» جاگذاری و به هم ربط می‌دهیم. این مرحله مشتمل بر ترسیم یک نمودار است که «الگوی کدگذاری» نامیده می‌شود و به‌نوعی مدل مستخرج از یافته‌ها محسوب می‌شود. این مدل در شکل (۲) نشان داده شده است.



شکل (۲): مدل حکمرانی مشارکتی مستخرج از یافته‌ها

با توجه به مراحل کدگذاری انجام‌شده و بررسی داده‌ها می‌توان گفت، شرایط مؤثر بر حکمرانی مشارکتی در سه دسته کلی شرایط «شرایط علی، شرایط مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای» قرار گرفته‌اند. در گام بعدی متناسب با این شرایط، «راهبردها» مطرح می‌شود و سپس نتایج کوتاه‌مدت و بلندمدت حاصل از حکمرانی مشارکتی با عنوان «پیامدها» مطرح می‌شوند.

نتیجه‌گیری

حکمرانان به دلیل حل مشکلات پیچیده خود و همچنین جلب حمایت بیشتر از سوی مردم و ارتقاء سرمایه اجتماعی خود، تمایل به مشارکت بیشتر مردم و جامعه نخبگانی در فضای حکمرانی دارند. مردم نیز با انگیزه‌های متفاوتی از جمله، ملی‌گرایی، منفعت شخصی، نوع‌دوستی و یا رضایت الهی در حکمرانی مشارکت می‌کنند. هدف این مقاله که به شکل یک نظریه داده بنیاد ارائه شده است، ایجاد یک دید گسترده‌ای درباره ابعاد و نتایج حکمرانی مشارکتی است. نوآوری اصلی این پژوهش نیز ارائه مدل مطلوب از حکمرانی مشارکتی، مستخرج از یافته‌ها است که می‌تواند به مسئولان و حکمرانان برای استفاده از این روش حکمرانی، انگیزه دهد. در این مقاله

با استفاده از روش داده بنیاد، داده‌های به‌دست‌آمده با سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی دسته‌بندی شدند. در کدگذاری باز یافته‌ها در ۲۵ مفهوم خلاصه شدند و در مرحله کدگذاری محوری این ۲۵ مفهوم در قالب ۵ مقوله اصلی شرایط علی (شرایط پدیدآورنده)، پدیده محوری (حادثه یا اتفاق اصلی)، شرایط زمینه‌ای (شرایط درونی اثرگذار بر پدیده اصلی شامل سوق‌دهنده‌های محیطی شرایط بازدارنده)، شرایط مداخله‌گر (میانجی)، راهبردها (راه‌حل‌ها و برنامه‌ها) و پیامدهای حکمرانی مشارکتی (نتایج)، دسته‌بندی شده‌اند. در کدگذاری انتخابی نیز این مقوله‌ها ساختارمند شدند و با برقراری ارتباط بین آن‌ها به‌صورت یک مدل حکمرانی مشارکتی با ۵ معیار اصلی و ۲۵ زیر معیار نمایش داده شدند. این مدل به‌خوبی نشان می‌دهد که مسائل متعددی در حکمرانی مشارکتی نقش دارند و باوجود پیامدها و نتایج بسیار کمک‌کننده‌ای که برای کشور به همراه دارد، شرایط بازدارنده مهمی نیز از اجرای آن جلوگیری می‌کند. از بین بردن این شرایط بازدارنده نیازمند گفتمان‌سازی و تبیین مزایا و بهبودهای قابل‌تصور در حکمرانی مشارکتی است. نتایج نشان می‌دهد که حکمرانی مشارکتی فواید زیادی را به همراه دارد که می‌توان به مواردی مانند افزایش رشد و پیشرفت کشور، افزایش انسجام در جامعه، مبارزه با فساد و اجرای بهتر عدالت و افزایش بهره‌وری اشاره کرد. همان‌طور که در بیانات مقامات عالی سیاسی کشور نیز دیده می‌شود، بررسی ابعاد مختلف این رویکرد و نیز تطبیق آن‌ها با ویژگی‌های فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران، گویای این واقعیت است که این رویکرد دارای قرابت معناداری با رویکردهای کلان نظام حکمرانی کشور است. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که مدل حکمرانی مشارکتی می‌تواند مدل موفق‌تری برای فضای حکمرانی کشور باشد. با توجه به مطالبی که ارائه شد، پیشنهادات زیر مطرح می‌شود.

۱- با توجه به فرهنگ ضعیف کار مشارکتی در کشور، فرهنگ‌سازی در خصوص تصمیم‌گیری جمعی و کار جمعی در جامعه توسط رسانه‌ها و یا نهادهای آموزشی ضروری است.

۲- تبیین مزیت‌ها و دستاوردهای حکمرانی مشارکتی برای حکمرانان و مسئولان.
 ۳- با توجه به اینکه افرادی خود رای و متکبر به‌عنوان مانع اجرای حکمرانی مشارکتی معرفی شدند، اجرای روش‌هایی جهت شناسایی افرادی که شخصیتاً خودرأی هستند (با استفاده از تست‌های شخصیت‌سنجی و روش‌های روان‌شناختی)، به‌منظور جلوگیری از کسب جایگاه‌های مدیریتی، پیشنهاد می‌شود.

۴- با توجه به اینکه طراحی سامانه‌ها و ابزارهای حکمرانی مشارکتی از راهبردهای مدل تحقیق بیان شده است، تحقیق برای شناسایی و یا تولید چنین ابزارهایی پیشنهاد می‌شود. کارکرد این ابزارها تشخیص مسئله توسط جامعه نخبگانی و مردم، در دستور کار مسئولان قرار دادن مسائل، تصمیم‌گیری جمعی، اجرای مشارکتی تصمیمات و سیاست‌ها و نهایتاً نظارت بر نحوه اجرای تصمیمات و ارزشیابی توسط مردم می‌باشد؛

۵- برای ایجاد اعتماد در بین مردم برای مشارکت بیشتر در حکمرانی و همچنین از بین بردن تعارض منافع در بین برخی از مدیران، تدوین قوانینی جهت حمایت از نظارت‌های مردمی در فرآیند حکمرانی پیشنهاد می‌شوند.

فهرست منابع

- Ali Akbari, H., & Ramezani, H. (2013). Deliberating Theoretical Bases of Decision-making Based on Islamic Ethics. *Scientific Journal of Islamic Management*, 20(1), 149–174. https://im.ihu.ac.ir/article_201746.html
- Altschuler, D., & Corrales, J. (2013). *The promise of participation: Experiments in participatory governance in Honduras and Guatemala*. Springer.
- Batory, A., & Svensson, S. (2019). The use and abuse of participatory governance by populist governments. *POLICY AND POLITICS*, 47(2), 227–244. <https://doi.org/10.1332/030557319X15487805848586>
- Camba, A. A. (2014). Participatory Governance in the EU Enhancing or Endangering Democracy and Efficiency? *GOVERNANCE-AN INTERNATIONAL JOURNAL OF POLICY ADMINISTRATION AND INSTITUTIONS*, 27(3), 536–538. <https://doi.org/10.1111/gove.12097>
- Charmaz, K. (2015). Grounded Theory: Methodology and Theory Construction. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 402–407.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2014). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Sage publications.
- da Silva Barreto, M., Garcia-Vivar, C., & Marcon, S. S. (2018). Methodological quality of Grounded Theory research with families living with chronic illness. *International Journal of Africa Nursing Sciences*, 8, 14–22.
- Fischer, F. (2012). Participatory governance: From theory to practice. In *The Oxford handbook of governance*.
- Forde, C. (2020). Participatory governance in Ireland: Institutional

- innovation and the quest for joined-up thinking. *ADMINISTRATION*, 68(3), 1–20. <https://doi.org/10.2478/admin-2020-0013>
- GHORBANI, M., Akhundi, M. reza, Mirshamsi, H., & Moussavi nia, S. H. (2020). Assessment of Bonding Social Capital for Establishment of Collaborative Governance of Natural Resources (Case Study: AbarKuh District, Yazd Province). *JOURNAL OF RANGE AND WATERSHED MANAGEMENT (IRANIAN JOURNAL OF NATURAL RESOURCES)*, 72(4 #AG00173), 1037–1047.
- Ghorbani, M., Avazpour, L., & Heydari, S. (2018). Appraising the Structural Characteristics of Social Capital of Local Beneficiaries Network in Keeping with Collaborative Natural Resource Governance (Pilot: Sarayan County, South Khorasan Province). *Journal of Range and Watershed Management*, 71(1), 241–252.
- Halim, R. (2018). COLLABORATIVE GOVERNANCE MODEL IN THE VILLAGE FUND MANAGEMENT AT BANGGAI REGENCY (MODEL GOVERNANS KERJASAMA DALAM PENGURUSAN DANA KAMPUNG DI KABUPATEN BANGGAI). *ASIAN JOURNAL OF ENVIRONMENT, HISTORY AND HERITAGE*, 2(2), 257–268.
- Heidari, A. R. (2022). Strategic Analysis of the Competencies of Iran's Educational System Based on the Conceptual Framework of Policy-Making Capacity. *Strategy*, 31(1), 39–77. <https://doi.org/10.22034/rahbord.2022.149768>
- HIRSCH, S., & SHULMAN, L. C. (1976). PARTICIPATORY GOVERNANCE - MODEL FOR SHARED DECISION-MAKING. *SOCIAL WORK IN HEALTH CARE*, 1(4), 433–446. <https://doi.org/10.1300/J010v01n04\ 04>
- Horsley, J. P. (2009). Public participation in the people's republic: developing a more participatory governance model in China. *Retrieved July, 30*, 1–19.
- Karami, H. (2017). Nvestigate the issues and problems of group decision making. *Journal of Management and Accounting Studies*, 6, 324–337.
- King, E. L., & Snowden, D. L. (2020). Serving on multiple fronts: A grounded theory model of complex decision-making in military mental health care. *SOCIAL SCIENCE & MEDICINE*, 250. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2020.112865>
- Kokorelias, K. M., & Ashcroft, R. (2020). How Dementia Caregivers Make Health Service Decisions: A Scoping Review and Implications for Grounded Theory Studies. *SAGE OPEN*, 10(1). <https://doi.org/10.1177/2158244020914396>
- Milchman, A., & Rosenberg, A. (2010). Michel Foucault, The Government of Self and Others: Lectures at the Collège de France 1982–1983, edited by Arnold I. Davidson, translated by Graham Burchell (New York: Palgrave Macmillan, 2010), ISBN: 978-1403986665. *Foucault Studies*, 155–159.
- Mohammadi, N., & Danaeefard, H. (2019). A Model of Collaborative

- Governance for Renewable Energy Development in Iran: an Institutional Perspective. *Quarterly Journal of Energy Policy and Planning Research*, 5(3).
- Prigozhin, A. I. (1991). Game Methods of Collective Decision Making in Management Consulting. *SOVIET EDUCATION*, 33(12), 25–45. <https://doi.org/10.2753/RES1060-9393331225>
- Razini, R., & Azizi, M. (2016). Designing A Decision Making Model With an Islamic Approach. *Islamic Management Quarterly*, 23(4), 73.
- Rezaizadeh, K. (2022). *Governance and its models with the role of public administration and law*. Atran.
- Schmitter, P. C., Grote, J., & Gbikpi, B. (2002). *Participatory Governance. Political and societal implications*. Leske & Budrich, Opladen.
- Waheduzzaman, W., Van Gramberg, B., & Ferrer, J. (2018). Bureaucratic Readiness in Managing Local Level Participatory Governance: A Developing Country Context. *AUSTRALIAN JOURNAL OF PUBLIC ADMINISTRATION*, 77(2, SI), 309–330. <https://doi.org/10.1111/1467-8500.12256>
- Yates, P. (2020). ``It’s Just the Abuse that Needs to Stop{’}’: Professional Framing of Sibling Relationships in a Grounded Theory Study of Social Worker Decision Making following Sibling Sexual Behavior. *JOURNAL OF CHILD SEXUAL ABUSE*, 29(2), 222–245. <https://doi.org/10.1080/10538712.2019.1692399>
- Zand Razavi, B., Khaniki, H., Nasrollahi, A., & Boostani, D. (2018). Meaning Reconstruction of Participatory Water Governance: A Qualitative Review of Group Communication of Groundwater Beneficiaries of Rafsanjan Plain. *Journal of Iranian Social Studies*, 12(4), 44–66. http://www.jss-isa.ir/article_37920.html
- zhaleh baghbadorani, masuomeh, Yaghoubipoor, A., & Fathizadeh, A. (2022). Designing a Participatory Governance Model in Order to Reduce Corruption with a Mixed Approach (Case study: Ahvaz Governor’s Office). *Strategy*, 30(4), 829–863. http://rahbord.csr.ir/article_146134.html
- Zimmermann, B. M., Shaw, D., Heinimann, K., Knabben, L., Elger, B., & Kone, I. (2020). How the “control-fate continuum” helps explain the genetic testing decision-making process: a grounded theory study. *EUROPEAN JOURNAL OF HUMAN GENETICS*. <https://doi.org/10.1038/s41431-020-0602-3>